

روشهای تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر دیدگاه استاد

مریم خضرای شولای فر

چکیده

تعلیم و تربیت از گذشته و طی قرون و اعصار مختلف همواره مورد توجه اندیشمندان و متفکران بوده و در جهت پیشرفت و اعتلی آن گامهای مؤثر و تصمیمات منطقی اتخاذ گردیده است. تحول در عرصه های علم و فناوری ، ضرورت تحول در فرایندهای فعالیتهای آموزشی و رویکردهای تعلیم و تربیت را پیش روی جهانیان قرار داده است . نگاهی به شعار یونسکو برای آموزش و پرورش جهان در قرن ۲۱ که برای یادگیری چهار رکن قائل است: یادگیری برای دانستن ، یادگیری برای به کار بستن ، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای باهم زیستن نیز مؤید این نکته است . تعلیم و تربیت در دنیای امروز مفهومی متفاوت با گذشته دارد. نظامهای آموزشی ، امروزه باید نیروهایی را تربیت کنند که در درک دنیای پیچیده موجود توانمند و در مدیریت و رهبری آن خلاق و مبتکر بوده و منطقی رفتار نماید. تربیت انسانهای متفکر و خلاق روش خاص خود را می طلبد. قالبها و چهارچوبهای متکی بر دانش صرف هرگز نمی توانند چنین بستر و موقعیتی را فراهم سازند. بنابراین یکی از ضروری ترین تحولات در نظامهای آموزشی ، تحول در نگرش ها و پای بندی به اصول متکی بر ارزشهای اسلامی و ویژگی های فطری مخاطبان می باشد. هدف اساسی این مقاله نیز شناخت و معرفی روشهای تربیتی است که اسلام توصیه و پیشنهاد می کند . روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی و مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای بوده و نتایج حاصل از آن دستیابی به چهار روش تربیتی مهم از دیدگاه اسلام یعنی روشهای الگویی ، تذکر ، موعظه و تکریم است.

واژه های کلیدی : روش ، تعلیم و تربیت ، الگو ، تذکر ، کرامت

۱. مقدمه

دهه اول هزاره سوم ، عصر گفتمان جهانیگرایی لقب گرفته که تمام عرصه های نظری و عینی را تحت تاثیر خود قرار داده است . از جمله عرصه های تاثیر پذیر ، نظام تعلیم و تربیت در کشورهای مختلف است. به طوری که یکی از چالش های پیش روی هر نظام آموزشی ، کیفیت آموزش و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان می باشد.

در جهانی که دانش و دانایی یک قدرت محسوب می شود ، لزوم کسب علم و دانش به عنوان ابزارهایی برای دستیابی به

شناخت خویش و جهان پیرامون ، اجتناب ناپذیر است. طبق نخستین آیات نازل شده بر پیامبر (ص) دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت کسب علم و دانش (علم بالقلم) و تعالی روح و کمال انسانی (علم الانسان ما لم یعلم) می باشد.

قطعا آنچه در تربیت مهم و اساسی است نگاه همه جانبه به آدمی است زیرا در طول تاریخ توجه خاص به یک جنبه از حیات و یک سونگری به مسائل ، موفق نبوده است . با توجه به آنکه انسان موجودی یکپارچه است و پرورش او به معنی رشد همه جانبه و متعادل تمامی ابعاد و جنبه های وجودی اوست ، ضرورت توجه به مبانی و اصول تربیتی جامع و متکی بر ویژگی های فطری انسان ضرورت می یابد.

از مبانی مهمی که در برنامه تربیتی اسلام به شدت مورد عنایت قرار گرفته ، ارزشهای اخلاقی است زیرا تربیت بیش از هر نهاد دیگری با ارزشها سر و کار دارد و به دنبال تحقق آنهاست. بنابراین ارزشهای الهی ، مبانی مهمی برای استنتاج روشهای تربیت می باشد.

این مقاله تلاش می کند تا ضمن تبیین اهمیت تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام ، به معرفی چهار روش مهم تربیت اسلامی بپردازد. روش تحقیق مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و بررسی و مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای بوده و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در سیر تحول نظام های تربیتی ، خلاء ناشی از عدم توجه به ارزشها و ویژگیهای فطری متربی ، ضرورت الهام از آموزه های دینی را در دنیای معاصر اجتناب ناپذیر می نماید.

بنابراین اگر قرار باشد نظام جامعی برای تعلیم و تربیت تدوین نماییم که در آن تمامی مؤلفه های تاثیر گذار یعنی شناخت مخاطب ، روشهای مناسب دستیابی به اهداف ، دانش تخصصی مورد نیاز ، شیوه های ارتباط و تعامل با فراگیران و نیاز های فرد بر اساس فطرت آفرینش او مورد توجه قرار گرفته باشد ، ضرورتا پرداختن به اصول تربیتی قرآن به عنوان کتاب هدایت و تعلیم و تربیت که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده تا با هدایت مردم به آنها حکمت بیاموزد ، بهترین روش خواهد بود .

۲. سیر تحول مفاهیم تعلیم و تربیت از دیدگاه رویکردهای معرفت شناسی و روانشناسی

در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی اثبات گرایی تقریبا بر روند رشد تمام رشته های علمی حکم فرما بود. این رویکرد بر وجود دانش مستقل از ذهن شاگرد تاکید می کرد و وظیفه آموزش را انتقال این دانش به ذهن شاگرد می دانست.

دیدگاه روانشناسی منطبق با رویکرد معرفت شناسی نیز رفتار گرایی بود. رویکرد تدریس برگرفته از این دیدگاه نیز رویکرد مدیریتی است. که از میان مؤلفه های پنجگانه تدریس بر روش و دانش تاکید زیادی داشته و برعکس ، بر شناخت فراگیران ، اهداف غایی و ارتباط میان مربی و متربی تاکید نسبتا کمی دارد.

دوره دوم مربوط به شکل گیری رویکرد معرفت شناسی به تعبیری شناخت گرایی است. این رویکرد در واقع یک فلسفه معتقد به اصالت انسان و ادراک اوست که هدف علم را درک و فهم می داند و نه تبیین آن. با شروع تحقیقات شناختی در این دوره، افق وسیعی فرا روی محققان تعلیم و تربیت گشوده شد که از جمله آن مباحث می توان به رویکردهای یادگیری اشاره کرد. رویکرد تدریس حاکم در این دوره، رویکرد تسهیل گر است. این رویکرد برای آنچه دانش آموزان با خود به موقعیت کلاس می آورند ارزش بسیاری قائل است. معلم تسهیل کننده معتقد است باید به افراد کمک کرد تا به سطح بالایی از خود شکوفایی و خودشناسی نائل شوند. شناخت فراگیران و ارتباط میان معلم و دانش آموزان از مؤلفه های مورد تاکید در این رویکرد هستند. و بالاخره در مرحله سوم رویکرد انتقادی - سازنده گرایی شکل می گیرد.

این رویکرد به سلطه علم و تکنولوژی که از شاخه های سرمایه داری است، معترض و معتقد است که در این شرایط احتمال طرح سؤال درباره هنجارها و ارزش های اجتماعی و "زندگی خوب" در عرصه اجتماعی از بین می رود. لذا رویکرد انتقادی به آزادی و رهایی از عقاید نادرست در غلبه بر جور و ستم منجر می شود (فردانش، ۱۳۹۳: ۴۴). در این نظریه پیش فرض وجود "دانش عینی" رد می شود. مکتب روان شناسی سازنده گرایی نیز بر اساس این رویکرد معتقد است که ساختار دانش حاصل تعامل مستمر با سازند های موجود و پالایش آنها برای درک صحیح تر از جهان خارج است لذا فعالیت های یادگیری می باید محور توجه قرار گیرد نه فرایند آموزش.

این دوره به تربیت فکورانه شهرت یافته و به دنبال تعمق در هر دو بعد دانش و ارزش هاست. در واقع خلاء ناشی از ارزش ها در دست یابی به رشد همه جانبه و تربیت انسان فکور و صاحب اندیشه چرخش گسترده ای در نوع نگرش نظامهای تعلیم و تربیت و بازگشت به اصل فطرت انسان را ایجاب نموده است.

رویکرد تدریسی منبعث از این دیدگاه، رویکرد آزاد اندیشانه است که در آن دانش به خودی خود هدف نیست، بلکه ابزاری است که دانش آموز را وارد فهم و خرد انباشته شده انسان ها به منظور پیش برد نوع بشر می کند. در حقیقت این رویکرد اهدافی را که فراتر از کسب دانش هستند پیشنهاد می کند (فنستر میچر ۱۳۹۰: ۵۱). به اعتقاد صاحب نظران این رویکرد، تعلیم و تربیت باید سرآغاز حرکت به سوی شیوه هایی می باشد که افراد، آنها را برای یافتن درکی در مورد جهان پیرامون خلق می کنند (همان: ۲۳).

بنابراین اگر قرار باشد نظام جامعی برای تعلیم و تربیت تدوین نماییم که در آن تمامی مؤلفه های تاثیر گذار یعنی شناخت مخاطب، روش های مناسب دستیابی به اهداف، دانش تخصصی مورد نیاز، شیوه های ارتباط و تعامل با فراگیران و نیازهای فرد بر اساس فطرت آفرینش او مورد توجه قرار گرفته باشد، ضرورتاً پرداختن به اصول تربیتی قرآن به عنوان کتاب هدایت و تعلیم و تربیت که بر پیامبر «ص» نازل شده تا با هدایت مردم به آنها حکمت بیاموزد، بهترین روش خواهد بود.

۳. اهمیت تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

طبق نخستین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) تاکید بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش(علم بالقلم) از یک سو، و تعالی روح و کمال انسانی(علم الانسان ما لم يعلم) از سوی دیگر است. (سوره علق-آیات ۱ تا ۵)

در این آیات هم ردیفی آفرینش و آموزش (ربک الذی خلق) و (الذی علم بالقلم) بوضوح استنباط می گردد.

همچنین قرار گرفتن علق عنصر اولیه خلقت در کنار قلم عنصر اولیه تعلیم نشانگر اهمیت، تعلیم و تربیت در دین اسلام است.

حتی از این آیات می توان دریافت که آموزش از آفرینش مهمتر است و تقدم آفرینش بر آموزش فقط یک تقدم زمانی است چون تا انسان آفریده نشود، نمی تواند آموزش ببیند ولی به لحاظ ارزش و اهمیت آموزش اقدم است. تا آنجا که در سخن از خلقت، خداوند می فرماید: بخوان به نام پروردگارت که آفرید ولی در سخن از تعلیم و آموزش می فرماید بخوان به نام پروردگار گرامی ترت که با قلم تعلیم داد. یعنی خداوند به واسطه تعلیم انسان موهبت بزرگتری را نصیب او ساخته است. و بالاخره با توجه به آنکه نخستین فرمان وحی با فرمان قاطع بخوان آغاز گردیده (تاکیدی بر اهمیت خواندن و تعلیم) جایگاه تعلیم و تربیت در دیدگاه اسلام آشکارتر می گردد.

نکته مهم دیگر، پیامی است که در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران وجود دارد، که می فرماید به تحقیق بر انسان منت نهادیم که پیامبری برای هدایت و تزکیه و تعلیم حکمت مبعوث نمودیم. خداوند بواسطه هیچ یک از نعمت هایی که به انسان ارزانی داشته، منتهی بر او نداشته مگر یک نعمت و آن هم هدایت و تعلیم و تربیت مؤمنان به وسیله پیامبران و در آیه ۹ سوره زمر خداوند می فرماید: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی هستند؟ در واقع در دینی که ملاک برتری نزد خداوند تنها تقوی است می بینیم انسانها ی دانا و نادان برابر و مساوی نیستند.

مجموع موارد مطروحه که قطره ای از دریای بیکران الهی است، شواهد متقنی بر اهمیت جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام می باشد.

۴. مفاهیم تعلیم و تربیت

از دیدگاه شهید مطهری نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی، اهتمام به پرورش تفکر و اندیشه آدمیان است. لذا تعلیم و تربیت اسلامی در اولین گام با استوار کردن پایه های دانش و تفکر در انسانها قوام می یابد. زیرا مایه اصلی تفکر یا پردازش اطلاعات در ذهن، همان تعلیم و تعلم یا کسب اطلاعات است. گام دوم پرورش استعدادها ی نهفته در وجود آدمی است و گامهای سوم و چهارم به ترتیب، تربیت موجود اخلاقی و تاکید بر مسئله عبادت است. (مطهری: ۱۶) لذا با توجه به اهمیت ارکان در دستیابی به روشهای تربیت اسلامی، تبیین مفاهیم تعلیم و تربیت در ادامه صورت می گیرد:

۴،۱ تعلیم

یعنی آموزش و یاد دادن ولی در آموزش هدف فقط انتقال یک سلسله معلومات و اطلاعات در ذهن فرا گیر نیست بلکه نیروی فکری و قوه ابتکار او باید شکوفا شود. به تعبیر استاد مطهری کار معلم آتشگیره دادن است. ایشان معتقدند فرق است میان تنوری که شما از بیرون چوب و آتش در آن بریزید تا داغ شود و تنوری که هیزم دارد و فقط نیاز به آتشگیره دارد تا خودش مشتعل شود (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۷)

استعاره هیزم، اشاره به علم مطبوع دارد که هر فرد آن را باخود دارد و فقط نیازمند فراهم شدن بستر مناسب برای شکوفا شدن است و علم مسموع (اکتسابی) نیز به تقویت آن می پردازد.

۴،۲ تربیت :

تربیت عبارت است از پروردن، یعنی استعدادهای درونی و بالقوه را به فعلیت در آوردن و پروردن (همان: ۴۳).

دکتر علی اکبر سیف تربیت را جریان منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی و اجتماعی و به طور کلی رشد همه جانبه شخصیت فرد در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و شکوفایی استعدادها می داند (شعبانی، ۱۳۸۹: ۹).

از توجه به تعاریف فوق چنین می توان استنباط نمود که در فرایند تربیت عناصر اساسی مثل اهداف، اصول و روش ها بایستی مورد توجه قرار گیرند و مربی برای اینکه بتواند تربیت را از نقطه مناسبی آغاز کند، باید ابتدا خصوصیات و ویژگی هایی را که لازمه دستیابی به اهداف است، سامان دهی نماید.

هر چه تربیت تابع فطرت و سرشت متربی باشد، موفقیت آمیز تر خواهد بود. حضرت علی (ع) می فرمایند: دلها را از ناحیه میل آنها پرورش بدهید و به زور وادارشان نکنید (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۴).

۵- اهمیت روش

روش، مسیری است که دانشمند در سلوک خود برای دستیابی به هدف طی می کند. قرآن کریم در اهمیت به کار گیری روش صحیح در آیه ۱۸۹ سوره بقره می فرماید: نیکو کاری آن است که در هر کاری، از راه آن وارد شوید تا هدایت شوید و به مقصد برسید. لذا اتخاذ روشهای تعلیم و تربیت صحیح به ویژه در عصری که به انفجار دانش لقب گرفته و رویکردهای متفاوت از زوایای گوناگون، روش های متنوعی را پیشنهاد می کنند، اجتناب ناپذیر می نماید.

۵. روشهای تربیت از دیدگاه قرآن

الف - روش الگویی

مهم ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده ای است. بر همین اساس، یکی از روشهای تربیت ارائه الگوی شایسته می باشد. این روش از آنجایی که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه های تربیتی بسیار مؤثر است.

شاید به همین دلیل است که در منابع اسلامی، بر بهره گیری از الگو و پیروی از نمونه ها و اسوه های حسنه تأکید شده است. خداوند در مقام اولین معلم و مربی بشر، در تعلیم و هدایت انسانها از این روش استفاده نموده؛ آنجایی که در تمییز جایگاه پیامبر خاتم می فرماید: *انّ اللّٰه و ملائکته یصلون علی النّبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما*: ابتدا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند و سپس مؤمنان دعوت به انجام این امر می شوند. این آیه مصداق روشی از روش الگویی در تربیت است. قطعاً اگر الگوهای مناسب رفتاری در زندگی فردی و اجتماعی ما حضور نداشته باشند، بایستی وقت و نیروی زیادی صرف کسب دانش، مهارت و نگرش های مختلف گردد.

الگو به شخصیتی گفته می شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. قطعاً اولین شخصیتی که شایسته پیروی است از نظر قرآن، رسول الله است چنانکه در آیه *لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوۃ حسنه* میتوان به این مضمون دست یافت. روش الگویی، روشی است که اساس آن بر محور الگو دهی و ارائه نمونه های عینی و عملی بنا شده است. در این روش مربی تلاش می کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد تا شرایط لازم برای الگو برداری و تقلید وی فراهم آید (قائمی: ۳). آنچه مسلم است این که در انسان حالتی روانی وجود دارد و بر اساس آن بسیاری از خصوصیات رفتاری را از دیگران، البته مشروط به برخورداری از صفات و اندیشه های مورد قبول، از طریق همانند سازی فرا می گیرد.

در مرحله اول، انسان صرفاً از روی تقلید و حتی بدون آگاهی این کار را انجام می دهد ولی در مراحل بالاتر، این عمل با نوعی انتخاب آگاهانه و بر مبنای شناخت و شعور صورت می گیرد.

هر قدر الگوها از کمال بیشتری برخوردار باشند، دایره تأثیر گذاری آنها نیز به مراتب فزونی خواهد یافت. چنانچه در زیارت شعبانیه می خوانیم اگر واسطه و الگویی بهتر از اهل بیت سراغ داشتیم قطعاً به سراغ آنها می رفتیم.

و به فرموده حضرت علی (ع) که می فرمایند به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می روند، بروید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد، بهترین الگوهای رفتاری و عملی را بایستی در میان اهل بیت جستجو نمود. مرتباً و

معلمان با توجه به آنکه در ادامه مسیر آن بزرگواران قدم نهاده اند بایستی تلاش نمایند ضمن بهره مندی از ویژگی های قوی و عملی اهل بیت ، سرمشق و الگو مناسبی برای متر بیان خود باشند .یقینا انتقال پیام با این روش مؤثرتر و پایدارتر و با سهولت بیشتری صورت خواهد گرفت. اما نکته ظریفی که در آیه ۱۸ سوره زمر به آن اشاره شده ، تقویت روحیه انتقاد و الگوبرداری با بصیرت است به طوری که آیه شریفه می فرماید : کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند ،خردمندانند.

ب - روش تذکر و یادآوری

یکی از روشهایی که قرآن کریم برای هدایت و تربیت انسانها به کار گرفته است ، روش تذکر و یادآوری است . انسان به دلیل درگیری های مختلف پیوسته در معرض فراموشی و غفلت است . تذکر می تواند با یاد آوری و هوشیار کردن انسان ، از آسیب ها کاسته و به سیر انسان به سوی کمال کمک نماید.

ذکر، بیش از ۲۷۰ بار در قرآن و در معانی مختلف به کار رفته که یکی از آن معانی خود قرآن است: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (سوره حجر آیه ۹) (قائمی : ۳۰).

ولی اصلی ترین و جامع ترین معنی ، همان یادآوری است که به دلیل عدم آگاهی و در بعضی موارد ،علیرغم وجود دانش و آگاهی ،عدم توجه نسبت به آن ،ضرورت می یابد .

در اهمیت و جایگاه والای ذکر ، همین بس که خداوند ، قرآن ، آخرین و جامع ترین کتاب آسمانی خود را تذکره نامیده است (سوره حاقه آیه ۴۳ و ۴۸).

از جمله فواید تذکر ، پیشگیری از گرفتاری و انحراف است که منجر به سودمندی برای انسان و جامعه می گردد.

در این معنی تذکر می تواند به عنوان یک روش تربیتی تلقی شود زیرا منجر به تغییر حالت و رفتار آدمی می گردد. بنابراین تذکر به عنوان روش تربیت عبارت است از :

« گفتار و یا رفتاری که از مربی سر میزند تا مرتبی را نسبت به آنچه از یاد برده ، و یا از آن غفلت کرده ، و یا از آن بی خبر است و اطلاع از آن برای او لازم می باشد ، آگاه سازد ، و احساسات او را درقبال آنها بر انگیزد.»(قائمی : ۴۳)

سه مؤلفه مهم در فرایند تذکر عبارتند از : تذکر دهنده (مربی) ، محتوای ذکر و مخاطب (مربی). به منظور اثر بخشی لازم است مربی یا معلم خود فردی آگاه و هوشیار باشد و با برخوردی همراه با ملایمت ،آزادی و اختیار مربی را محدود نکرده و بر تداوم و تکرار ذکراهتمام بوزد.

ضمناً هرچه فراگیر درجهت خود رهبری و دست یافتن به «فراشناخت» بیشتر تلاش کرده باشد، میزان تاثیر گذاری ذکر نیز به مراتب افزایش می یابد.

ج - روش موعظه و نصیحت

یکی از روش های مهم تربیت و سازندگی انسان روش نصیحت است که معمولاً در قالب سخنرانی ارائه می گردد و در قرآن کریم نیز به حدود ۲۵ مورد به آن اشاره شده است.

موعظه نوعی آموزش و دادن اطلاعات می تواند باشد، به طوری که در بسیاری از مواعظ قرآنی، از تاریخ و سرگذشت اقوام و ملل پیشین که مخاطب در بسیاری از موارد از آنها بی اطلاع است سخن به میان آمده است.

نکته بسیار مهم در این روش تربیتی آن است که به خداوند، اولین مربی بشر نسبت داده شده است.

در آیه ۵۸ سوره نساء و ۹۰ سوره نحل و ۱۷ سوره نور خداوند انسانها را به نیکی، امانتداری، عدل و دوری از فساد موعظه می کند. محتوا موعظه های قرآن گسترده بوده و بر محورهای مختلفی تاکید دارد. از اصول گرفته تا اخلاق فردی و اجتماعی که این خود می تواند الگویی برای محتوای دروس مهارتهای زندگی و مطالعات اجتماعی قرار گیرد.

یکی از ویژگی های بسیار مهم موعظه در قرآن، مستدل بودن و تاکید بر انتخاب بهترین گزینه ها است که علم روان شناسی یادگیری نیز امروزه تحت عنوان سطوح گوناگون حیطه شناخت تاکید بر آموزش و ارزشیابی فراگیران بر پایه دست یابی به مهارت تحلیل، مقایسه و استدلال دارد. لذا محتوای قرآن می تواند الگوی متقنی برای تدوین محتوا دروس گوناگون و روشهای تربیتی مریمان باشد.

لیکن عدم توجه به نیاز های فراگیران و موقعیت زمانی و مکانی ارائه وعظ و ناهماهنگی در گفتار و رفتار مربی واعظ از آسیب های این روش تربیتی بوده و موجب کاستن اثرات آن خواهد شد.

د - روش تکریم و احترام

رعایت حرمت و احترام یک اصل کلی است که در تمام برنامه های تربیتی باید از سوی مریمان و برنامه ریزان مورد توجه قرار گیرد. تعابیر متفاوتی از عزت و کرامت وجود دارد که در رأس همه آنها تعبیر قرآن کریم است که می فرماید: ولله العزة ولرسوله

و للمؤمنین. یعنی مؤمن باید بداند که عزت اختصاصا در انحصار مؤمنان است و او شایسته عزت است (مطهری : ۴۱). البته این واژه را می توان از دو منظر دینی و روان شناسی بررسی کرد : از منظر دین کرامت نفس ، یعنی عظمت و پرهیز از حقارت ، زیرا انسان این گونه آفریده شده است : «و لقد کرما بنی آدم... یعنی ما انسان را گرامی داشتیم (آیه ۷۰ سوره اسراء). از تعبیر فوق می توان اینگونه نتیجه گیری نمود که کرامت ، ویژگی انسان است درحالی که عزت ویژه مؤمن است و اخص از کرامت و یا نتیجه آن است. بنابراین کرامت بایستی از مبانی تربیتی قلمداد شود زیرا از دارایی های انسانی است و عزت نفس از اصول تربیت چون از باید های تربیتی است.

در قالب و شکل رویکردهای تدریس نیز ، بخشی از آنچه معنایش احترام به دانش آموز به عنوان یک فرد است ، احترام (توجه) به چیزهایی است که دانش آموزان معمولا پیرامون دنیایی که زندگی روزمره آنها را شکل داده ، آموخته اند. آنچه یک معلم تسهیل گردرصدد پرورش آن است اصالت است. او به همه دانش آموزان کمک می کند تا به عنوان یک فرد ، اصالت خود و اصالت انسانی شان را محقق سازند. (فنسترمیچر ، ص ۷۳). در آموزه های دینی احترام و تکریم دانش آموز به دلیل ماهیت و فطرت کرامت انسانی است که خداوند در وجود او بودیعت نهاده است و قطعا اگر مبانی روشهای تربیت اموری باشند که ریشه در ویژگی های ذاتی انسانها دارند ، نتایج بهتر و پایدار تر خواهد بود . در واقع نقش روشهای تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن قابلیتها و استعداد کرامت دانش آموزان است. یعنی چون متربی دارای کرامت ذاتی است مربی باید به این کرامت ذاتی او احترام گذاشته تا هم روشی باشد برای تربیت او و هم اصلی باشد برای تحقق و تحصیل کرامت اکتسابی (قائمی ، جلد دوم : ۱۱۹).

از بعد روانشناختی نیز مفهوم خود پنداره و ارزیابی فرد از شخصیت خویش حاکی از همان مفهوم حرمت به خود و کرامت انسانی است. در این دیدگاه نیز حرمت و عزت نفس فقط حاصل تجربه های اکتسابی فرد نبوده بلکه تنها یکی از منابع خود شناسی ، تجربه های جاری در طول زندگی است. انسان می تواند از طرق دیگر نیز به وجود نوعی عزتمندی در خویش پی ببرد و آن، نگاه به ذات فطرت و نوع خلقت خویش است. در مجموع آنچه توجه به کرامت انسانی را به عنوان یک روش تربیتی اجتناب ناپذیر و ضروری می شمارد ، مقام خلیفه الهی انسان و جانشینی خداوند در روی زمین است (آیه ۳۰ بقره).

استاد مطهری نیز در تعبیر جالبی کار مربی را بایک باغبان مقایسه نموده و می نویسد تا به حال باغبانی را دیده اید که درختان باغ را با یکدیگر مقایسه نموده ، تنبیه کرده و یا برسرشان فریاد بزند ، بلکه او تنها با نظارت در باغ و برداشتن موانع و فراهم کردن بستر رشد ، شرایط را مهیا می سازد تا آنچه در نهاد و ذات هر درخت وجود دارد ، شکوفا شود.

۷. نتیجه گیری

در دنیایی که نقش معلم از انتقال دهنده به تسهیل گر تغییر یافته و فراگیر نیز به پژوهشگر، سازنده، خودرهبر، خلاق و تصمیم گیرنده تبدیل شده است، اندوختن معلومات و توجه صرف به نتیجه و محصول در کنار بی توجهی به ارزشها و نگرشها ، نوعی غفلت از قافله شتابان تعلیم و تربیت محسوب می گردد. برای پویایی و پایداری در عرصه تعلیم و تربیت و دستیابی به اهداف

سند چشم انداز جمهوری اسلامی، بایستی به دنبال رویکردهای جدید با تکیه بر ویژگیهای فطری و ذاتی فراگیران و الهام از آموزه های دینی باشیم. تاریخچه نظام تعلیم و تربیت در جهان نشان می دهد که در بسیاری از کشورها این تحول آغاز شده و به مؤلفه های گوناگون مؤثر در تعلیم و تربیت سرایت کرده است. قطعاً کشور ما با برخورداری از فرهنگ غنی اسلامی و پشتوانه معنوی گسترده خود، شایستگی فراوانی در طراحی و ابداع شیوه های تربیت اسلامی خواهد داشت. در این مقاله ضمن بررسی چهار الگوی مهم تربیت یعنی روشهای الگویی، تذکر، وعظ و نصیحت و بالاخره، تکریم شخصیت، جایگاه هر یک از آنها با استناد به آیات قرآن و اندیشه های استاد دانشمند شهید مطهری تبیین و تشریح گردید. همچنین از تطبیق این روش با سیر تحول اندیشه های تعلیم و تربیت از دیدگاه مکاتب فلسفی و روان شناسی، چرخش و تغییر جهت رویکردهای نوین به سمت ارزش ها و اصول بنیادین برخاسته از ویژگی های فطری و ذاتی انسان در پاسخگویی به نیاز فراگیران آشکار گردید. به عنوان مثال الگوی پردازش اطلاعات، به گرایش فطری انسان برای درک و فهم جهان از طریق دستیابی به داده ها و سازماندهی آنها تأکید می کند. یا الگوهای اجتماعی تدریس بر مبنای اینکه انسان موجودی اجتماعی است و از تنهایی بیزار است و یادگیری نیز ماهیتی اجتماعی دارد، شکل گرفته است. همان طوری که استاد شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام می نویسد: همه این رویکردها و نظریات آن وقت درست هستند که یک حقیقت اعتقاد مذهبی پشت سر آنها باشد. بنابراین در اصول تربیتی، آن ریشه اصلی که باید آن را آبیاری کرد همان اعتقاد به خداست و معلمان و مربیان آگاه، دلسوز و مشوق همواره بایستی با بهره مندی از شیوه های منبعث از قرآن، علم و هنر معلمي خود را تقویت نمایند.

۸. فهرست منابع:

- رستگار، طاهره (۱۳۸۶)، ارزشیابی در خدمت آموزش، تهران، انتشارات منادی تربیت، چاپ ششم.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۹)، مهارتهای آموزشی، تهران، سمت، چاپ ششم.
- فردانش، هاشم (۱۳۹۳)، مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران، سمت، چاپ چهارم.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)، روشهای تربیتی در قرآن - جلد اول، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- قائم مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)، روشهای تربیتی در قرآن، جلد دوم، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- قائم مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹)، روش الگویی در تربیت اسلامی، مجله ایتالیك، شماره ۶۹، ۱۳-۶۹، ۲۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، چاپ شصت و پنجم.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۹۳)، الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، تهران، سمت، چاپ هفتم.
- میجر، فنسترا (۱۳۹۰)، رویکردهای تدریس، احمد رضا نصر، تهران، مهر ویستا، چاپ یکم.